



صفحه ۹۱ نگارش ششم با جواب

۲- واژه های زیر را از متن درس بیابید و بنویسید.

آتشگر	←	واژه ای پنج حرفی که حرف چهارم آن «گ» باشد.	
سپیدار	←	واژه ای شش حرفی که حرف اول آن «س» باشد.	
سوختن	←	واژه ای پنج حرفی که حرف چهارم آن «ت» باشد.	
گذرد	←	واژه ای چهار حرفی که حرف دوم آن «ذ» باشد.	

۳- به نظر شما، چرا پرنده ی روبه رو را «دارکوب» نامیده اند؟

جواب: زیرا در زبان فارسی باستان، (دار) به معنای چوب و

(کوب) به معنای ضربه زدن است. دارکوبها با ضربه زدن سریع

سرشان به درختان، حشرات را از داخل چوب بیرون می کشند.

۱- داستان شعر را به نثر ساده بنویسید.

جواب: روزی سپیداری در باغ از ظلم و ستم تبر گریه می‌کرد. تبر گفت جرم تو همین قدر کافیست که در فصل میوه دادن درختان هیچ میوه ای ندادی. اگر در دنیا بیکار باشی و شب و روز و ماه و سال را به راحتی بگذرانی. در آن دنیا کار تو دشوار و سخت تر می‌شود. الان وقت نشان دادن هنر خودت است و آن را نشان بده.

۲- سرنوشت درختی را که امروز تبدیل به میز و نیمکت شده،
از زبان خودش در پنج سطر بنویسید.

جواب: در باغ بودم، باران داشت می‌آمد. حس و حال عجیبی
داشتم. شاخه‌هایم را برافراشتم تا خدای خود را نیایش کنم. قلبم
تند تند می‌زد. هر کاری کردم نمی‌توانستم آرام بگیرم. به نوای
باران گوش می‌کردم. انقدر لذت بخش بود که تمام وجودم را
غرق خودش کرده بود. جوجه‌هایی که بر روی شاخه‌هایم نشسته
بودند، قلقلکم می‌آمد. بچه‌هایی که با شادی و خوشحالی بازی
می‌کردند.

روزی خواب بودم. سر و صداهاى عجیبى شنیدم از خواب بیدار
شدم. یه نفر از پشت مرا زخمی کرد. دیدم چند نفر آمده‌اند و
دارن منو قطع می‌کنند. فهمیدم که کاری از دستم بر نمی‌آید.
چشمانم را بستم و یهو روی زمین افتادم. همه جا خیلی درد
می‌کرد ولی کسی آه و ناله مرا نمی‌شنید.

مرا به کارخانه‌ای بردند که آنجا پر از همسن و سال‌های خودم
بود. همه داشتن از شدت درد داد می‌زدند. بعضی‌ها را
می‌خراشیدند، بعضی‌ها را تبدیل به میز و نیمکت می‌کردند. روی

۱- داستان «درخت علم» را بازسازی کنید.

جواب: روزی به یک پادشاه خبر می‌دهند که در هندوستان یک درختی است که اگر میوه‌ی آن را بخوری پیر نمی‌شوی پادشاه سریع یکی از بستگانش را به دنبال درخت میفرستد ، بد از مدتی حاکم با دانشمندی مواجه میشود و دانشمند به او میگوید درختی که تو به دنبالش هستی درخت علم است .

۲- شعر «شیر خدا» را به نثر ساده بنویسید.

جواب: حضرت علی کسی است که در راه خدا همچون یک شیر شجاع می جنگید و برترین مرد عرب بود و با تاریکی انس و الفت داشت. شب از رازهای علی باخبر است، تاریکی شب محرم رازهای الهی است. شب صدای دعا و مناجات علی و همچنین عشق الهی که مانند چشمه ای در وجود او می جوشد شنیده است. دعاهایی که علی میکرده هنوز در گوش مسجد کوفه مانده است و او را از خود، بیخود می کند. خورشید از افق بالا آمده است و سینه ی آسمان را شکافت ولی چشم علی هنوز بیدار بود و به خواب نرفته بود. علی همان کسی است که در تاریکی شب به صورت ناشناس برای یتیمان غذا می برد. انسان عاشقی که خطر کرد و شب به جای پیامبر در رختخواب او خوابید. در آن سحرگاه شگفت انگیز، حلقه ی در، دست به دامن علی شد. در، دست به دامن علی شد که ای علی از رفتن صرف نظر کن و از من عبور نکن. یا علی عارفان مدهوش ولایت تو هستند. جان عالمیان به فدای تو باد.

۳- دریافت خود را از ضرب المثل «مار گزیده از ریسمان سیاه

و سفید می ترسد»، در یک بند بنویسید.

جواب: بعضی حوادث یا خاطرات تلخ ، چنان تاثیری در روح

انسان می گذارد که حتی با گذشت زمان نیز فراموش نمی شود.

شرایطی که به موجب یاد آوردن آن خاطره یا حادثه شود، می

تواند در رفتار و عمل شخص تاثیر بگذارد.